

تأثیر آموزش‌های مهدکودک بر رشد مفهوم‌سازی کودکان

عباس قلتاش^۱ نهضت صفائی^۲ و ابراهیم صحرانشین^۳

^۱ دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، مرودشت، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی لامرد، لامرد، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی لامرد، لامرد، ایران.

safaeinehzat@gmail.com

چکیده

تحقیق انجام شده پیرامون تأثیر آموزش‌های مهدکودک بر رشد مفهوم‌سازی کودکان است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر می‌باشند که در مهدکودک‌های شهرستان پارسین از توابع استان هرمزگان، در سال‌های قبل به طور فعال حضور داشته و از آموزش‌های مهدکودک برخوردار بوده‌اند و اکنون در پایه‌های اول و دوم دبستان می‌باشند. حجم نمونه ما در این تحقیق تعداد ۵۰ نفر از دانش‌آموزان مقاطع اول، دوم دبستان نمونه تحقیق را شامل می‌شوند تعداد ۲۵ نفر از این تعداد دانش‌آموزان دختر و ۲۵ نفر بقیه پسر می‌باشند که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند و پرسشنامه در بین آن‌ها توضیح شده است. روش تحقیق این تحقیق علی-مقایسه‌ای- یا پس رویدادی است. و با توجه به ماهیت متغیرهای پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج نشان داد بین آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان، رشد ذهنی، هوش علمی و هوش فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: آموزش، مهدکودک، پیش دبستان، مفهوم‌سازی.

مقدمه

کودک در ابتدای تولد موجودی زیستی است که برای ادامه حیات و تحول جسمانی و روانی خود نیاز به توجه و مراقبت دلسوزانه دارد. هرچند پیوند مادر و کودک در نه ماه بارداری ایجاد شده، اما پس از تولد نیز تا مدتی نوزاد بخشی از وجود اوست، بخشی که بنا به شرایط روانی و اجتماعی مادر، می‌تواند خواستنی و مطلوب و یا ناخواسته باشد (رستگاری، ۱۳۹۱). همین امر بر کیفیت ارتباط مادر و کودک تأثیر می‌گذارد و نه تنها در میزان توجه و ارضای نیازهای مادی و جسمانی کودک مؤثر می‌افتد، بلکه بر رشد و تحول هیجانی و هوشی او نیز تأثیر می‌گذارد. سرعت رشد انسان از تولد و حتی پیش از تولد تا هفت‌سالگی مسئله‌ای است که کم‌وبیش در سرتاسر جهان به آن توجه کرده‌اند (همان).

اکنون این مرحله را از حساس‌ترین و مهم‌ترین مراحل رشد انسانی می‌دانند. تحقیق‌های گوناگون عصر ما نشان داده که اگر در این مرحله رشد از نظر جسمی، روانی و تربیتی نسبت به کودک غفلت و کوتاهی شود در مراحل بعد تنها پنجاه درصد از این کوتاهی را می‌توان جبران کرده و پنجاه درصد دیگر جبران‌ناپذیر خواهد بود. حال ممکن است بنا به شرایط مادر، مراقبت از کودک از ۲ تا ۳ ماهگی به مربیان مهدکودک سپرده شود که این امر به نوعی موجب همکاری و همبستگی مادر و مربی می‌گردد که باید به آن توجه کرد. اگر بخواهیم در قرن ۲۱ که قدرت کشورها در نیروی انسانی آن‌ها نهفته است، به پیشرفت همه‌جانبه در زمینه‌های فردی و اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، علمی و فرهنگی نائل شویم، به شخصیت‌هایی به جهت بالندگی همه‌جانبه باید تربیت شوند. انسان از بدو تولد تا شش، هفت‌سالگی‌ترین و مهم‌ترین مراحل رشد خود را طی می‌کند. تحقیق‌ها نشان داده‌اند که اگر در این مرحله رشد، نسبت به کودک از نظر جسمی، روانی و تربیتی غفلت و کوتاهی بشود در مراحل بعد جبران آن مشکل است. این مهروموم‌ها مرحله شکل‌گیری شخصیت است که با حساسیت زیاد کودک نسبت به پیرامون خود مشخص می‌شود و زمان آموزش قبل از دبستان است. نفوذ و تأثیر این دوره می‌تواند دائمی باشد (سرمدی، ۱۳۹۰). با توجه به افت تحصیلی بالا به خصوص در میان کودکان خانواده‌های کم‌درآمد و آنان که مشکلات خانوادگی دارند می‌توان اهمیت وارد کردن کودکان به جریان آموزش در سنین خردسالی را کودک کرد (کریمی، ۱۳۹۲). ثابت شده است، کودکانی که مراکز پیش از دبستان را طی کرده‌اند، آسان‌تر از کودکانی که از این امتیاز محروم بوده‌اند وارد دبستان و مراحل بعدی تحصیل می‌شوند؛ بنابراین این گذراندن دوره پیش از دبستان عامل مهمی در موفقیت تحصیلی به حساب می‌آید.

هرگاه مراکز پیش از دبستان نظیر مهدکودک‌ها و با کودکان‌ها دارای برنامه‌های باکیفیت بالا باشند کمکی ضروری برای خانواده‌ها در دنیای امروز به حساب می‌آیند (بازاللهی، ۱۳۹۲). لذا ارائه برنامه‌هایی که کودکان را جهت رشد بهتر آنان یاری رساند، در برنامه‌های مراکز قبل از دبستان الزامی است.

تربیت کودک را باید از همان آغاز تولد و حتی از دوران جنینی شروع کرد، زیرا «شخصیت کودک در همان پنج سال اول پایه‌ریزی می‌شود». از اهداف مهم تعلیم و تربیت فرزند، آماده‌سازی او برای زندگی در اجتماع و تعقیب اهداف الهی جامعه است. کانون خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و می‌آموزد که جز خانواده در آموزش هنجارها و ارزش‌ها به فرزندان دخالت دارند و با افزایش سن کودک به مرور از نقش خانواده‌ها کاسته و بر نقش این کانون‌ها در الگودهی به شخصیت کودک افزوده می‌شود. مهدکودک برای بچه‌ها عموماً جذابیتی بیش از خانه و خانواده دارد و نیز نقشی بسیار اساسی و مهم در تربیت کودکان ایفا می‌کند. تأثیرپذیری کودکان در مهدکودک به مراتب بیشتر از خانه و خانواده است. اگر مربیان، افرادی آموزش‌دیده، کارآمد و متخصص در زمینه، تربیت کودکان باشند، خواهند توانست به بهترین شکل ممکن کودکان را تربیت کنند. از سوی دیگر بنا به گزارش مؤسسه ملی "بهداشت و توسعه، رفتار کودکان" بچه‌هایی که بین سال‌های دوم تا چهارم زندگی در مهدکودک هستند نسبت به سایر کودکان، آموزش زبان و حافظه بهتری دارند، لذا بر آن شدیم مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر آموزش‌های مهدکودک بر رشد مفهوم‌سازی کودکان" را به همکاران و والدین عزیز تقدیم نماییم. ظهور مراکز پیش‌دبستانی؛ وظیفه آموزش این است که ذهن‌های خالی را به ذهن‌های باز تبدیل کند نه به ذهن‌های پر. افلاطون در حدود قرن سوم قبل از میلاد معتقد بود: آموزش در دوران اولیه، کودکی امری اجتماعی است و باید در این سنین کودکان را از والدینشان جدا کرد و جهت مراقبت و تعلیم به مؤسسات اجتماعی سپرد. ظهور مراکز پیش‌دبستانی و مهدکودک‌ها حاصل

تحقیقات و مطالعات بزرگان و تربیت چون دیویی در آمریکا، کاپارد در سوئیس، مونته سوری در ایتالیا و دکرولی در بلژیک و... می‌باشد که همگی از آموزش سنتی انتقاد کرده و در آموزش و پرورش جدید بر اساس شناخت عالم کودکی هم‌رأی و هم‌صدا بودند. هم‌چنین تحقیقات لورنر^۱ (۱۸۷۳) مطرح کرد؛ تمرین و آموزش باید در زمان معین و مشخصی صورت گیرد و مسئله دوران حساس را در رشد انسان عنوان کرد و این‌که زمان، عامل پدید آمدن دوران حساس است، یعنی کودک را باید در زمان مناسب وقتی که برخوردهای محیطی بیشترین تأثیر را در شکوفایی استعدادهای ذاتی کودک می‌گذارند آموزش داد؛ اما وقتی بنجامین بلوم^۲ (۱۹۶۴) بیان کرد که ۵۰٪ رشد هوشی بین تولد تا ۴ سالگی، ۳۰٪ بین ۴ تا ۸ سالگی و ۲۰٪ از ۸ تا ۱۷ سالگی می‌باشد و محیط سرشار و غنی فرهنگی در افزایش رشد هوشی تأثیر بسزایی دارد و با بزرگ شدن کودک، محیط تأثیرپذیری خود را از دست می‌دهد، توجه به آموزش و پرورش پیش از دبستان بیش از گذشته مطرح شد. این مراکز با اهداف مشخص تأسیس شده‌اند، هرچند که هدف کلی آموزش و پرورش رسانیدن انسان به فلاح و قرب به خدا است؛ اما در آموزش و پرورش پیش از دبستان علاوه بر این، رشد همه‌جانبه کودکان مدنظر است که دارای چند زیرمجموعه می‌باشد و از اصلی‌ترین این اهداف می‌توان به توسعه مهارت‌های شناختی، فیزیکی، زبان‌شناختی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودکان رده ۵-۲ ساله اشاره کرد. هرچند مراکز پیش‌دبستانی و از جمله مهدکودک‌ها باهدف اولیه نگهداری کودکان راه‌اندازی شدند، اما با گذشت ۸۰٪ زمان به نهاد آموزشی تبدیل شدند، زیرا کارشناسان متوجه شدند که یادگیری اولیه رفتارها و روابط اجتماعی، زبان‌های خارجی، نقاشی، موسیقی و کارهای دستی، اگر از کودکی آغاز شود نه تنها بازده بیشتری در روند فراگیری دارد، بلکه کودک را از نظر زمانی به پیش می‌برد و ارزش‌های مهمی چون صداقت، نوع‌دوستی، محبت، استقلال، سازگاری و هماهنگی با جامعه به او آموخته می‌شود. وضعیت مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی در ایران و جهان؛ بر اساس آخرین آمار اعلام‌شده از سوی سازمان ثبت‌احوال کشور، ۶ میلیون و ۸۱۲ هزار و ۵۵۴ کودک زیر ۶ سال در کشور وجود دارد که باید به مراکز پیش‌دبستانی بروند. این در حالی است که در سال گذشته فقط ۴۸۱ هزار و ۷۳۸ نفر، یعنی حدود ۷ درصد این کودکان به مهدکودک رفته‌اند و جالب اینجاست که از این تعداد فقط ۰/۸ درصد دارای مادران خانه‌دار هستند، یعنی بقیه از سر اجبار و به دلیل شاغل بودن مادر، به مهدکودک پا گذاشته‌اند. قرار است این رقم تا پایان برنامه چهارم توسعه به ۲۰ درصد برسد؛ یعنی فرهنگ آموزش پیش از دبستان چنان کم‌رنگ در جامعه پیشرفت می‌کند که مسئولان با هزار تمهید و برنامه‌ریزی امیدوار هستند که تا سال دیگر فقط ۲۰ درصد از کودکان را به‌سوی محیط‌های آموزش ویژه کودکان زیر هفت سال راهی کنند. این در حالی است که اگر چشم بر آمار عجیب و غریب کشورهای پیشرفته ببندیم، می‌بینیم که در کشوری نظیر کوبا بیش از ۹۵ درصد از کودکان زیر هفت سال تحت آموزش قرار دارند. در حال حاضر ۱۰ هزار و ۶۱۱ مهدکودک در سراسر کشور وجود دارد که حدود ۹ هزار از این تعداد در اختیار بخش خصوصی است. در حال هدف اصلی در آموزش پیش‌دبستانی پرورش انسان‌هایی با ویژگی‌هایی مطلوب انسانی است (بازاللهی، ۱۳۹۲).

ضرورت و اهمیت مساله

در حقیقت ۷ سال آغازین دوران کودکی، بزرگ‌ترین سرمایه پرورش و شناخت استعدادهای بالقوه آن‌هاست. حدود ۵۰ درصد از هوش کودکان در ۴ سال اول تولد اتفاق می‌افتد، حدود ۳۰ درصد هم بین ۴ تا ۸ سالگی تکمیل می‌شود و در فاصله ۸ تا ۱۷ سالگی تنها ۲۰ درصد از رشد هوشی کودکان تحقق پیدا می‌کند؛ بنابراین تا سن ۶ سالگی یعنی سن ورود به مدرسه تقریباً دوسوم توانایی هوشی کودکان شکل گرفته است. امکان رشد ذهنی کودکان در این مراکز موجب می‌شود تا در آینده جایگاه بهتری در جامعه داشته باشند این در حالی است که برخی صرفه‌جویی‌های اقتصادی در این دوره، در درازمدت به‌صرفه نیست و در آینده به زبان کودکان تمام خواهد شد (بازاللهی، ۱۳۹۲). این سؤال خیلی از همراهان سلامت است که آیا باید بچه‌ها را به

¹- Iorner

²- Benjamin Bloom

مهدکودک بفرستند یا خیر و چه سنی مناسب است؟ در پاسخ باید عرض کنم، با وجود اینکه مهدکودک، اولین قدم ورود به جامعه است تا پیش از سه سالگی خیلی مناسب نیست و توصیه هم نمی‌شود که بچه را پیش از سه سالگی به مهد بفرستید. چون بچه‌های زیر سه سال نیازمند توجه متمرکزتر در خانواده هستند. اگر به مهدکودک بروند مربی آن‌ها باید توجه خودش را بین همه تقسیم کند. پس تا سه سالگی بهتر است نزد مادر یا مادر بزرگ پرستاری شوند مادران شاغل که نگران هستند مبادا این محدوده زمانی که از بچه‌ها دور هستند موجب شود فاصله‌ای بین آن‌ها بیفتد یا دل‌بستگی و عاطفه آن‌ها کمتر شود باید دقت کنند، آنچه تعیین‌کننده این میزان دل‌بستگی است به هیچ‌وجه ربطی به مهدکودک رفتن یا نرفتن و اینکه فرزند شما به دلیل شغلتان نزد اقوام یا مادر بزرگ است ندارد. این موضوع مربوط به آرامشی است که بچه‌ها در کنار مادرشان به دست می‌آورند. بعضی از بچه‌ها تا مادرشان از راه می‌رسد و باینکه هنوز به آن‌ها شیر نداده است، آرام می‌شوند و در آغوش مادر آرامش عجیبی می‌گیرند. بعضی دیگر هم بی‌قرار شده و ترجیح می‌دهند به آغوش پرستار، مادر بزرگ یا مربی مهد بروند. این عادات به‌طور دقیق متأثر از حالت‌های درونی شماست. اگر عصبی و پرتنش هستید، خستگی کار را به خانه آوردید، با همسران درگیری دارید و یا بدون آنکه متوجه باشید دچار افسردگی پس از زایمان و تحریک‌پذیر شده‌اید، بدانید بچه‌های شیرخوار و نوپا ترازویشان برای درک این مطلب قوی است. آن‌ها نه ماه تمام صدای قلب شما را در استرس و در آرامش شنیده و نیاز آن‌ها به شما برای کسب آرامش است. بچه‌ها بسیار ناتوان‌اند و چون می‌ترسند آسیب ببینند دنبال مأمّن آرام می‌گردند. پس مادرها نباید از این موضوع مهم غافل شوند و گمان کنند به دلیل مهد رفتن یا سپردن کودکشان به دیگری، چنین اتفاقی افتاده است (سولسو، ۱۳۹۰).

نکته بعدی اینکه برای کمک به بچه‌ها در سنینی که شروع به کسب مهارت‌های اجتماعی می‌کنند و از مادر و پدر دیگران همانندسازی کرده تا بخش سوم شخصیت، یعنی قسمت والد را بسازند بهتر است از سه، چهار سالگی به مهدکودک بروند و یا با گروه همسالان در مراوده باشند. این باهم بودن آن‌هاست که موجب می‌شود ارزش‌های اجتماعی را یاد بگیرند و درواقع شخصیت آن‌ها ساخته می‌شود. بهتر است در این خصوص دوستان و خانواده‌هایی را برگزینید که آن‌ها هم به تربیت و سلامت بچه‌هایشان اهمیت می‌دهند. متخصصان عقیده دارند که شخصیت هر انسان در شش، هفت سال اول زندگی شکل می‌گیرد و لذا سال‌های اولیه زندگی کودک از نظر تعلیم و تربیت بسیار پراهمیت و کوتاهی در مورد آنان زبان‌بار است. امروزه جهت رشد و بالندگی بهتر کودکان از مراکز نظیر مهدکودک‌ها استفاده می‌شود که هدف از ایجاد این مراکز کمک به رشد جسمانی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان و درنهایت کمک به شکوفایی استعداد و علایق آنان می‌باشد (پارسا، ۱۳۹۲).

از معرفی آموزش و پرورش هم مانند بسیاری دیگر از امور زندگی پیوسته در حال تغییر و تحول است، از این‌رو مسئولان تعلیم و تربیت یک جامعه بخصوص معلمان و مربیانی که با کودکان در ارتباط‌اند باید به تحولات سریع تعلیم و تربیت و روش‌های پیشرفته‌تر آگاهی یافته و روش کار خود را اصلاح و تغییر دهند، در مهدهای کودک صحبت‌های مربی درباره فصول مختلف سال، زندگی جانوران طرز تشکیل ابر و برف و باران و انواع پوشاک و وسایل نقلیه... هیچ انگیزه مطلوبی در کودکان ایجاد نمی‌کند و ده‌ها بار تذکر و اخطار مربی می‌تواند کودک را به فعالیتی وادار یا از او بخواهد فعالیتی را انجام دهد. تنها با تشخیص مرکز توجه و کانون رغبت کودک می‌توانیم مطالب موردنیاز وی را به او بیاموزیم؛ می‌توان فعالیت‌های که در برنامه روزانه، هفتگی و ماهانه کلاس‌های آمادگی و با ضمیمه مهدکودک‌ها پیش‌بینی شده است را از نظر فعالیت‌های زبان‌آموزی، آموزش مفاهیم ریاضی و علوم، مفاهیم اجتماعی، دینی و اخلاقی و هر نوع فعالیت دیگر را که در اطراف یک موضوع متمرکز شده را مرکز فعالیت کودکان قرار دهیم (برقک، ۱۳۹۰).

اهمیت و ضرورت آموزش پیش از دبستان بر اساس یافته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال‌های پیش از دبستان در رشد و تربیت کودکان نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارد در این دوران حساس و مهم، یادگیری کودکان عمیق‌تر، سریع‌تر و آسان‌تر انجام می‌شود. توانایی‌های آنان در جنبه‌های مختلف رشد شکوفا می‌شود و پایه‌های اصلی شخصیت آن‌ها شکل می‌گیرد. بر همین اساس بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌گذاران امر آموزش، روی آموزش‌ها و آموزش مهارت‌های پیش‌دستانی و دبستان تأکید دارند و از این‌بین تأکید ویژه آن‌ها بر آموزش زبان مادری، ریاضیات و مهارت‌های هوشی- هنری است. آن‌ها معتقدند

حذف آموزش مهارت‌هایی چون آواشناسی کلمات که عامل مهمی جهت شناسایی درست حروف و در نتیجه کلمات است، آموزش اطلاعات عمومی و زبان دوم و آموزش صحیح رفتارهای اجتماعی باعث دلزدگی از ورود به مدرسه و در نهایت افت شدید تحصیلی در میان دانش‌آموزان می‌شود. پژوهشگران معتقدند بروز ناهنجاری‌های رفتاری- آموزشی چون ناتوانی در درک مفاهیم آموزشی، بی‌قراری و شیطنت در کلاس، بیش‌فعالی، بی‌نظمی در انجام تکالیف یا رفتارهای شخصی، فرار از مدرسه، تکرار پایه پیش‌دبستانی است (مردود شدن) و هر نوع عدم تعادل رفتاری - آموزشی ناشی از غفلت در آموزش صحیح در پایه پیش‌دبستانی است. در حقیقت همه کودکان نیاز دارند تا پیش از ورود به مدرسه و یا بهتر بگوییم ورود به اجتماع، آمادگی‌های لازم را کسب کرده و برای ورود به اجتماع حاضر شوند. مطالعات نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری صحیح در آموزش پایه پیش‌دبستانی و انتخاب برنامه آموزشی باکیفیت بالا نه تنها باعث افزایش آمادگی و اشتیاق کودکان برای ورود به مدرسه و اجتماع می‌شود بلکه به صورت خاص، تأثیر بسیار منفی بر کودکان متعلق به خانواده‌های متوسط، کم‌درآمد و یا کودکانی که والدین آن‌ها تحصیلات مناسب و بالایی ندارند (منظور تحصیلات دانشگاهی است) خواهد داشت. دکتر فریده ترابی میلانی معتقد است؛ همه کودکان دنیا بر اساس یک الگوی رشد، دوران از تولد تا پنج‌سالگی را طی می‌کنند. علاوه بر این هر کودک به عنوان موجودی مستقل و منحصر به فرد نیز الگوی خاص خود را دارد. حضور کودک در مهدکودک یا دوره آمادگی این امکان را فراهم می‌کند یا نه تأخیر در رشد کودکان که می‌تواند زمینه‌ساز عقب‌ماندگی آن را فراهم کند در این محیط‌ها به سرعت شناسایی می‌شود و امکان بازپروری را فراهم می‌کند. به عقیده متخصصان اگر دستان به ایده آل‌ها و آرمان‌های نقره‌فام در راه پرورش کودکان نمی‌رسد، می‌توانیم به حداقل‌ها اکتفا کنیم. دکتر منصوره پاک‌باز پزشک و متخصص علوم توان‌بخشی، به مادران و پدران توصیه می‌کند که هرگز برای خود یک ایده آل دست‌نیافتنی برای تربیت و پرورش فرزندشان تعریف نکنند تا بتوانند با حقایق کنار بیایند. وی عقیده دارد: توصیه ما به پدر و مادرها که به بهانه نداشتن تمکن مالی به پرورش و آموزش کودکان زیر هفت سال بی‌توجهی می‌کنند این است که چگونه هیچ‌کس حاضر نیست فرزند ۷ ساله خود را به مدرسه نفرستد و در هر شرایطی او را به یک مدرسه متناسب با شرایط زندگی‌اش می‌فرستد تا سواد بیاموزد پس درباره مهدکودک نیز باید این‌گونه عمل شود. شاید هنوز زمان اجباری کردن این دوره آموزشی به دلیل سازوکارهای اجتماعی و ساختار قوانین کشور فرانسیده باشد، اما خانواده‌ها باید آگاه باشند که در این هنگام وظیفه آن‌هاست که نسبت به این موضوع در حد اجبارشان، بر شتاب برای سوادآموزی فرزندان باید توجه کنند و مطمئن باشند که در همان حد هم مسئولیت به عهده‌دارند. از طرفی این سؤال مطرح می‌شود که خانواده‌ها درازای سرمایه‌گذاری بر آموزش پیش از دبستان کودکان خود، شاهد چه بازتابی هستند؟ دکتر ترابی روان‌پزشک نیز معتقد است: متأسفانه با روند غلط برخی از مهدکودک‌ها، خانواده‌ها صرفاً شاهد حفظ کردن چند بیت و سرود، چند آیه و سوره و حدیث یا نقاشی کردن از الگوها و شمارش از یک تا بیست به وسیله فرزندانشان پس از دوره مهدکودک هستند که اصلاً برای آن‌ها مطلوب نیست، ولی آنچه مسلم است بررسی بولتن‌ها و مقاله‌های علمی جدید ثابت می‌کند که حتی یک مهدکودک نه‌چندان مطلوب و ایده آل هم بهتر از نفرستادن کودک به مهدکودک است (مفیدی، ۱۳۹۱). کودکان امروز، آینده فردای جامعه هستند. دنیای پیشرفته کودکان را جدی می‌گیرد، به آن‌ها به چشم سرمایه‌های ارزشمند می‌نگرد، برای آن‌ها برنامه‌های علمی، مدون و هدفمند طراحی می‌کند و در انتظار می‌ماند تا فصل خوشه‌چینی فرا برسد. ما تلاش می‌کنیم در راه توسعه و پیشرفت گام برداریم و می‌دانیم که یکی از شاخه‌های مهم توسعه، تدوین استراتژی تربیت و پرورش کودکان است. دفتر امور کودک و نوجوان سازمان بهزیستی کشور شاید تنها محل دولتی است که به این جمعیت سرنوشت‌ساز می‌اندیشد.

امروز تلاش می‌کنیم با افزایش آگاهی مسئولان، شهروندان و به‌طور کلی جامعه درباره ضرورت و اهمیت آموزش گروه سنی زیر هفت سال، این جمعیت را از خانه‌ها بیرون و به محیط‌های آموزشی ببریم. در همین راستا در تلاش هستیم با افزایش تعداد مهدکودک‌ها در سراسر کشور و گسترش فعالیت آن‌ها، امکان آموزش کودکان را به صورت یکسان و همگانی در اختیار همه خانواده‌ها قرار بدهیم (مفیدی، ۱۳۹۲).

متخصصان معتقد هستند در دنیای پیشرفته امروز که در تبوتاب ثانیها گرفتار تغییر و تحول می‌شود، مهدکودک، مکان‌هایی قابل اطمینان و مؤثر در پرورش شخصیت کودکان هستند و استفاده کودکان از این مکان‌ها، امری ضروری است. مهدکودک مکمل خانواده است. استادان روانشناسی دنیا معتقد هستند که بچه‌ها از سن سه‌سالگی به بعد باید به مهد بروند تا تحت تربیت، پرورش و آموزش قرار بگیرند. متخصصان ما نیز با اتکا به آموزه‌های مدرن و پیشینه درخشان تربیتی کشورمان بر این موضوع همواره تأکید دارند. از سوی دیگر ما در چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، ایران را کشوری دیده‌ایم که در منطقه از نظر رتبه علمی، فرهنگی، هنری و... مقام اول را دارد. این انتظار معقولی است اگر کودکان امروز را بیست سال دیگر نقش‌های مؤثر در عرصه‌های گوناگون دارند، به حال خود رها نکنیم و از فرصت یادگیری بی‌نظیر آن‌ها در سنین زیر هفت‌سال بیشترین استفاده را ببریم. مهدکودک بخشی از محیط است که با بازی و آموزش، کودک را در تعامل‌ها شرکت می‌دهد و در رشد شخصیت وی نقش مؤثری ایفا می‌کند. در مهدکودک با فراهم کردن محیط مناسب می‌توانیم کودک امروز را به شخصیت وی نقش مؤثری ایفا می‌کند. در مهدکودک با فراهم کردن محیط مناسب می‌توانیم کودک امروز را به شخصیت مؤثر و مثبت فردا تبدیل کنیم (نظری نژاد، ۱۳۹۴).

اگر در مهدکودک‌ها علمی و اصولی با کودک رفتار کنند و بر اساس طرح و برنامه‌های تخصصی اداره شوند، می‌توانند اثرات شگفت‌انگیزی بر رشد شخصیت کودک داشته باشند. تربیت و آموزش کودکان از مهم‌ترین مسائل امروزی است. در واقع یکی از شاخص‌های توسعه نیروی انسانی ارائه آموزش‌های سنجیده در مهدکودک‌هاست. حال اگر بخواهیم تأثیر این آموزش‌ها را از زاویه تحقیقات روان‌شناختی و تربیتی هم مطرح سازیم، مشخص می‌شود که بسیاری از طرح‌واره‌های اجتماعی، شناختی، عاطفی و معنوی در این دوران شکل گرفته به نحوی که در سراسر زندگی نقش اساسی به خود می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهند که کودکانی که از آموزش‌های مهدها و یا مراکز پیش‌دبستانی برخوردارند در بسیاری از شاخص‌های آسیب‌زای زندگی و اجتماعی از جمله بزهکاری، طلاق، افت تحصیلی، مسائل اخلاقی و جزء آن حداقل ۲۰ درصد نسبت به دیگران وضع مطلوب‌تری دارند: همچنین از شاخص‌های مولد بودن از جمله ابتکار، تحقق عمل، استقلال، هویت جنسی، زیرساخت اخلاق خود پیروی و جزء آن در همین سنین پی‌ریزی می‌شود (اللهیاری و همکاران، ۱۳۹۰).

از طرفی هزینه کردن در این مقطع سنی با برنامه‌ها و آموزش‌های صحیح برای کودکان سبب می‌شود بستر فرهنگی مناسبی برای تغییر بسیاری از عادات غلط باشد. تأثیر آموزش‌های مستقیم در این دوران چندین برابر آموزش‌های غیرمستقیم نظیر رسانه‌های گروهی است و نیز از لحاظ حقوقی هم پرداخت به آموزش کودکان یعنی حمایت از حقوق شناخته‌شده آنان. در هر حال کودکی که معلم را به جای پدر و مادر خود می‌داند بسیار متأثر از آنچه می‌شود که توسط معلمش مطرح می‌شود و خود را ملزم به رعایت گفته‌های معلم خود می‌داند. (بیلر، ۱۳۹۱). اما اینکه این آموزش‌ها تا چه حد بر روی رشد مفهوم‌سازی کودکان مثر است نیازمند بررسی و مطالعه بیشتر است.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان رابطه معناداری وجود دارد.

تعاریف عملیاتی متغیرها

هوش فرهنگی: ارلی^۳ و آنگ^۴ هوش فرهنگی را به‌عنوان قابلیت فرد برای سازگاری مؤثر با قالب‌های نوین فرهنگی، برای زندگی کنار مردمی که آن فرهنگ را دارند تعریف می‌کنند و ساختار هوش فرهنگی را به انواع دیگر هوش از جمله هوش عاطفی و

³-early

⁴-aung

اجتماعی مربوط می‌دانند. در تعریفی دیگر هوش فرهنگی یک قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی دانسته شده است که از تنوع فرهنگی برخوردارند و با آن دسته از مفاهیم مرتبط باهوش سازگار است که هوش را بیشتر یک توانایی شناختی می‌دانند. بر اساس تعریف هوش فرهنگی، هوشی متفاوت از هوش اجتماعی و عاطفی است افراد زیادی با داشتن بالا و مهارت‌های اجتماعی مناسب در تعاملات IQ بین‌المللی شکست می‌خورند که علت اصلی آن پائین بودن هوش فرهنگی می‌باشد (دانش، ۱۳۹۰).

آموزش: تعلیماتی است که در مراکز مهدکودک و پیش‌دبستانی به کودکان داده می‌شود، (ثبت‌نام کردن کودک در مهدکودک به مدت حداقل یک سال). مفاهیم کمی و ریاضی؛ مانند کم‌وزیاد، بالا و پایین، شمارش، مفاهیم طبیعی و روزمره مانند روز و شب، کوه و دشت و جنگل و... مفاهیم اجتماعی و فرهنگی؛ مانند پلیس، پزشک، معلم... مدنظر است. در مهدکودک‌ها این مفاهیم به‌عنوان پایه آموزش داده می‌شود (موسوی، ۱۳۹۰).

مفهوم‌سازی: مفهوم‌سازی به‌عنوان مقدمه تفکر است. در این تحقیق مفهوم‌سازی به‌وسیله آزمون مفهوم‌سازی و پرسشنامه اندازه‌گیری می‌شود که این آزمون در بخش ابزارها توصیف می‌شود.

رشد ذهنی کودکان: وزن مغز کودک در طول سال اول زندگی دو برابر می‌شود. این افزایش تا حدودی ناشی از افزایش تعداد سلول‌های مغزی و تا حدودی به دلیل رشد اتصالات بین سلول‌ها و قسمت‌های مختلف مغز است. یادگیری از طریق این اتصالات شروع می‌شود و بدون این اتصالات ما قادر به فکر کردن نخواهیم بود. این اتصالات در نوزاد هنگامی که وی به چیزی علاقه‌مند می‌شود و تلاش ذهنی می‌کند و همچنین هنگام تحریک هر یک از حواس کودک شروع به تشکیل شبکه می‌کند بنابراین از بدو تولد هر صدا، تصاویر، تماس احساس، بو، مزه موجب ساخته شدن اتصالات بیشتری می‌شود. برای پیشرفت رشد ذهنی کودک می‌باید حواس بینایی شنوایی، حافظه و مهارت‌های حرکتی باهم بروند قوای عقلی کودک برای اینکه در اطراف او چه می‌گذرد وابسته به حواس و حرکات بدن می‌باشد. به‌عنوان مثال بدون بینایی کودک نمی‌تواند یک اسباب‌بازی را ببیند و بدون حافظه اسباب‌بازی موردعلاقه‌اش او را هیجان‌زده نمی‌کند بدون هماهنگی مغز و عضلات کودک نمی‌تواند دستش را به‌سوی اسباب‌بازی در حال حرکت دراز کند. بدون هماهنگی دست و چشم کودک نمی‌تواند اسباب‌بازی را بگیرد و بدون گرفتن اسباب‌بازی کودک نمی‌تواند تصویری از آن اسباب‌بازی داشته باشد. همگام با افزایش درک عمومی بسیاری از مهارت‌های مغزی و بدنی و به‌سرعت رشد می‌کند عواملی چون شخصیت کودک، اجتماعی بودن و محیطی که برای کودک فراهم می‌شود. می‌تواند کمک مؤثری در رشد و توسعه مغز کودک باشد این کمک‌ها بخصوص در سال‌های اول و سوم زندگی که مغز جهش‌های رشدی عمده‌ای را به عمل می‌آورد حائز اهمیت است (فیض، ۱۳۹۲).

روش تحقیق

روش تحقیق این تحقیق علی-مقایسه‌ای- یا پس‌رویدادی است. روش علی-مقایسه‌ای- یا پس‌رویدادی به روشی گفته می‌شود که در آن تحقیق گر به‌جای ایجاد یا اجرای آزمایش، پس از وقوع آن، به تحقیق درباره آن موضوع می‌پردازد. در این طرح-ها سعی می‌شود حاصل این آزمایش یا رخداد را با علل وابسته به آن مربوط سازند (دلاور، ۱۳۹۳). این تحقیق هم برای گروهی صورت می‌گیرد که سن مربوط به دوران مهدکودک را سپری کرده‌اند و اینکه در سن مدرسه هستند، به این جهت روش تحقیقی این تحقیق علی-مقایسه‌ای- یا پس‌رویدادی است. تحقیق حاصل یک تحقیق بنیادین است. تحقیق بنیادین اگرچه می‌تواند کاربرد علمی داشته باشد ولی هدف در آن افزایش حیطه فهم و دانش است. در این نوع تحقیق‌ها تأکید بر مطالعه همبستگی درونی متغیرهاست.

جامعه آماری

جامعه آماری ما در این تحقیق کلیه دانش‌آموزان دختر و پسری می‌باشند که در مهدکودک‌های شهرستان پارسین در سال-های قبل به‌طور فعال حضور داشته و از آموزش‌های مهدکودک برخوردار بوده‌اند و اکنون در پایه‌های اول و دوم دبستان می-باشند.

حجم نمونه

حجم نمونه ما در این تحقیق تعداد ۵۰ نفر از دانش‌آموزان مقاطع اول، دوم دبستان نمونه تحقیق را شامل می‌شوند. تعداد ۲۵ نفر از این تعداد دانش‌آموز دختر و ۲۵ نفر بقیه پسر می‌باشند که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند و پرسشنامه در بین آن‌ها توضیح شده است.

روش نمونه‌گیری

شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای می‌باشد. از بین سه مدرسه ابتدایی پسرانه و دخترانه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این تحقیق تعداد دانش‌آموزان با جنسیت دختر با تعداد دانش‌آموزان با جنسیت پسر با هم برابر می‌باشند.

ابزار اندازه‌گیری تحقیق

ابزار اندازه‌گیری تحقیق حاضر پرسشنامه محقق ساخته می‌باشند که از ۱۸ سؤال تشکیل شده است و در بین پاسخگویان پخش گردیده است.

پایایی و روایی پرسشنامه‌ها

روایی و پایایی پرسشنامه یکی از موضوعات مهم هر تحقیق می‌باشد. ابزار سنجش به دودسته تقسیم می‌شوند: استاندارد و مقایسه شده، محقق ساخته.

روایی ابزار سنجش: منظور از روایی این است که مقیاس و محتوای ابزار یا سؤالات مندرج در ابزار دقیقاً متغیرها و موضوع را بسنجد.

پایایی ابزار سنجش: پایایی ابزار که از آن به اعتبار، دقت و اعتمادپذیری تعبیر می‌شود، عبارت است از اینکه اگر یک وسیله اندازه‌گیری که باری سنجش متغیر و صفتی ساخته شده در شرایط مشابه در زمان یا مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود.

در پژوهش حاضر برای تعیین روایی جمع‌آوری اطلاعات از روایی صوری یا نمادی استفاده گردید. بر اساس این روش پایایی پرسش‌نامه با استفاده از *Spss17* محاسبه شد که آلفای کرونباخ به دست آمده است می‌توان گفت که اولاً سؤالات پرسشنامه همبستگی بالایی با یکدیگر دارند و ثانیاً پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار می‌باشد که قابل قبول می‌باشد همچنین آلفای کرونباخ هر کدام از متغیرها نیز به صورت جداگانه محاسبه شد که آن نیز بالا بود.

یافته‌ها

در این بخش با توجه به ماهیت متغیرهای پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

آمار توصیفی

جدول ۱. توزیع فراوانی نمونه پاسخگویان

جنسیت	تعداد	درصد
پسران	۲۵	۵۰
دختران	۲۵	۵۰
جمع	۵۰	۱۰۰

در جدول شماره ۱ توزیع نمونه فراوانی نمونه پاسخگویان آمده است. نتایج نشان می‌دهد که در این تحقیق تعداد پاسخگویان با جنسیت پسر ۲۵ نفر و همچنین جنسیت دختر نیز ۲۵ نفر می‌باشند. به عبارت دیگر تعداد افراد نمونه برحسب جنسیت یکسان بوده‌اند.

جدول ۲. توزیع نمونه برحسب متغیر آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان

متغیر	شاخص‌ها	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
آموزش‌های مهدکودک	۸۲/۲۷	۴۳	۱۴/۲۲	۲۱	۹۷	
رشد مفهوم‌سازی کودکان	۲۵/۱۸	۲۴	۹/۲۳	۱۱	۳۳	

در جدول شماره ۲ میانگین، میانه و انحراف استاندارد متغیر آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان نشان داده شده است. لازم به ذکر است که این متغیرها بعد از ترکیب گویه‌های مربوطه در پرسشنامه به دست آمده‌اند. حداقل نمره (مینیمم) و حداکثر (ماکزیمم) این متغیرها نیز محاسبه شده است. همان‌طور که گفته شد این متغیرها از ترکیب گویه‌ها حاصل گردیده‌اند لذا آن‌ها به فاصله‌ای تبدیل گردیده و آماره‌های مذکور برای آن‌ها محاسبه و در جدول شماره ۲ درج گردیده است. نتایج نشان می‌دهند که میانگین متغیر آموزش‌های مهدکودک ۸۲/۲۷ بوده و رشد مفهوم‌سازی کودکان با میانگین ۲۵/۱۸ در بین سایر مؤلفه‌های این متغیر بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. مقادیر به دست آمده‌ی شاخص‌های میانه، انحراف استاندارد، حداقل نمره و حداکثر نمره‌ی متغیرها نیز مؤید مطالب مذکور می‌باشد.

جدول ۳. توزیع نمونه برحسب متغیر آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان

متغیر	شاخص‌ها	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
آموزش‌های مهدکودک	۸۵/۳۳	۷۴	۱۸/۹۰	۵۲	۷۸	
رشد ذهنی کودکان	۲۲/۹۰	۲۶	۱۷/۳۴	۷	۳۳	

در جدول شماره ۳ نیز میانگین، میانه و انحراف استاندارد متغیر آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان نشان آمده است. بدیهی است که این متغیرها بعد از ترکیب گویه‌های مربوطه در پرسشنامه به دست آمده‌اند و به مقیاس فاصله‌ای تبدیل شده‌اند. حداقل نمره (مینیمم) و حداکثر (ماکزیمم) این متغیرها نیز محاسبه شده است. نتایج حاکی از آن است که میانگین متغیر آموزش‌های مهدکودک ۸۵/۳۳ بوده و متغیر رشد ذهنی کودکان ۲۲/۹۰ در بین سایر مؤلفه‌های این متغیر بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. مقادیر به دست آمده‌ی شاخص‌های میانه، انحراف استاندارد، حداقل نمره و حداکثر نمره‌ی متغیرها نیز مطالب مذکور را تأیید می‌نماید.

جدول ۴. توزیع نمونه برحسب متغیر آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان

متغیر	شاخص‌ها	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
آموزش‌های مهدکودک	۸۵/۱۷	۷۲	۱۳/۱۹	۳۵	۷۸	
هوش علمی کودکان	۴۰/۰۴	۳۸	۱۲/۱۸	۱۳	۶۲	

در جدول شماره ۴ میانگین، میانه و انحراف استاندارد متغیر آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان نشان داده شده است. لازم به ذکر است که این متغیرها بعد از ترکیب گویه‌های مربوطه در پرسشنامه به دست آمده‌اند. همچنین حداقل نمره (مینیمم) و حداکثر (ماکزیمم) این متغیرها نیز محاسبه شده است. همان‌طور که گفته شد این متغیرها نیز محاسبه شده است. همان‌طور که گفته شد این متغیرها از ترکیب گویه‌ها حاصل گردیده‌اند لذا آن‌ها به فاصله‌ای تبدیل گردیده و آماره‌های مذکور برای آن‌ها محاسبه و در جدول شماره ۴ درج گردیده است. نتایج نشان می‌دهند که میانگین متغیر آموزش‌های مهدکودک ۸۵/۱۷ بوده و هوش علمی کودکان با میانگین ۴۰/۰۴ در بین سایر مؤلفه‌های این متغیر بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. مقادیر به دست آمده‌ی شاخص‌های میانه، انحراف استاندارد، حداقل نمره و حداکثر نمره‌ی متغیرها نیز مؤید مطالب مذکور می‌باشد.

جدول ۵. توزیع نمونه برحسب متغیر آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان

شاخص‌ها / متغیر	میانگین	میانه	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
آموزش‌های مهدکودک	۷۴/۳۵	۸۰	۱۲/۱۸	۴۳	۷۸
هوش فرهنگی کودکان	۲۴/۱۹	۳۳	۱۷/۱۹	۱۴	۴۶

در جدول شماره ۵ میانگین، میانه و انحراف استاندارد متغیر آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان آمده است. بدیهی است که این متغیرها بعد از ترکیب گویه‌های مربوطه در پرسشنامه به دست آمده‌اند و به مقیاس فاصله‌ای تبدیل شده‌اند. حاکی از آن است که میانگین متغیر آموزش‌های مهدکودک ۷۴/۳۵ بوده و هوش فرهنگی کودکان با میانگین ۲۴/۱۹ در بین سایر مؤلفه‌های این متغیر بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. مقادیر به دست آمده‌ی شاخص‌های میانه، انحراف استاندارد، حداقل نمره و حداکثر نمره‌ی متغیرها نیز مؤید مطالب مذکور می‌باشد.

آمار استنباطی

فرضیه‌ی یک: بین آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای تحلیل ارتباط متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان

منابع	آموزش‌های مهدکودک	رشد مفهوم‌سازی کودکان	سطح معنی‌داری	نمونه متغیر
آزمون همبستگی پیرسون	۱	۱۹۷۵	۱۰۰۰	۵۰
	۱۹۷۵	۱	۱۰۰۰	

در فرضیه‌ی اول تحقیق برای تحلیل رابطه‌ی بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان، با توجه به اینکه هر دو متغیر در مقیاس ترتیبی ارائه شده‌اند از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج استنباطی حاصل از ارتباط بین این دو متغیر در جدول شماره ۶ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد مقدار سطح معناداری به دست آمده ($\text{sig}=/۰۰۰$) بوده که این مقدار در سطح ($p=/۰۰۵$) معنی‌دار می‌باشد. با توجه به این امر با اطمینان

۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان از لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. توضیح اینکه مقدار همبستگی 0.975 بوده ($r = 0.975$) که این مقدار حاکی از ارتباط بسیار قوی بین این دو متغیر است. با در نظر داشتن این شرایط فرضیه‌ی اول تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی دو: بین آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای تحلیل ارتباط متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان

منابع		آموزش‌های مهدکودک	رشد ذهنی کودکان	سطح معنی‌داری	نمونه متغیر
آزمون همبستگی پیرسون	آموزش‌های مهدکودک	۱	0.926	0.000	۵۰
	رشد ذهنی کودکان	0.926	۱	0.000	

در فرضیه‌ی دوم تحقیق رابطه‌ی بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان را مورد کنکاش قرار داده است، با توجه به اینکه هر دو متغیر در مقیاس ترتیبی ارائه‌شده‌اند در تحلیل این فرضیه نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید.

نتایج تحلیلی بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان در جدول شماره ۷ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد مقدار سطح معناداری به‌دست‌آمده ($sig = 0.000$) بوده که این مقدار در سطح ($p = 0.05$) معنی‌دار می‌باشد. با توجه به این امر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان از لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. مقدار همبستگی بین دو متغیر 0.975 بوده ($r = 0.975$) که این مقدار حاکی از ارتباط بسیار قوی بین متغیرهای مذکور است. با در نظر داشتن این شرایط فرضیه‌ی دوم تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی سه: بین آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای تحلیل ارتباط متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان

منابع		آموزش‌های مهدکودک	هوش علمی کودکان	سطح معنی‌داری	نمونه متغیر
آزمون همبستگی پیرسون	آموزش‌های مهدکودک	۱	0.918	0.000	۵۰
	هوش علمی کودکان	0.918	۱	0.000	

در فرضیه‌ی سوم تحقیق رابطه‌ی بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان را بررسی می‌کند، در این بررسی نیز با توجه به اینکه متغیر محل سکونت اسمی بوده و متغیر میزان مطالعه نیز در مقیاس ترتیبی ارائه‌شده است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردیده است.

در جدول شماره ۸ نتایج تحلیل ارتباط بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان مشاهده می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده ($sig = 0.000$) بوده که این مقدار در سطح ($p = 0.05$) معنی‌دار می‌باشد.

لذا با حصول اطمینان ۹۵ درصدی می‌توان گفت که بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان از لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. لذا فرضیه‌ی سوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی چهارم: بین آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۹. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای تحلیل ارتباط متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان

منابع	آموزش‌های مهدکودک	هوش فرهنگی کودکان	سطح معنی‌داری	نمونه متغیر
آزمون همبستگی پیرسون	آموزش‌های مهدکودک	۱/۹۲۶	۱/۰۰۰	۵۰
	هوش فرهنگی کودکان	۱/۹۲۶	۱/۰۰۰	

در فرضیه‌ی چهارم تحقیق رابطه‌ی بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان بوده است. با در نظر داشتن این موضوع که هر دو متغیر در مقیاس ترتیبی ارائه‌شده‌اند در تحلیل این فرضیه نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

نتایج تحلیلی بین متغیرهای مذکور در جدول شماره ۹ آمده است. نتایج بیانگر این است که سطح معناداری به‌دست‌آمده ($Sig=/.000$) بوده که این مقدار در سطح ($p=/.05$) معنی‌دار می‌باشد. با توجه به این امر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان از لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. مقدار همبستگی بین دو متغیر $r=/.51$ بوده ($r=/.51$) که این مقدار نیز حاکی از ارتباط متوسط بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان می‌باشد. با در نظر داشتن این شرایط فرضیه‌ی چهارم نیز تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بحث‌های گفته‌شده در فصل‌ها نتایج زیر حاصل شد.

فرضیه‌ی اول: بررسی بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان، با توجه به اینکه هر دو متغیر در مقیاس ترتیبی ارائه‌شده‌اند از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج استنباطی حاصل از ارتباط بین این دو متغیر در جدول شماره ۶ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد مقدار سطح معناداری به‌دست‌آمده ($Sig=/.000$) بوده که این مقدار در سطح ($p=/.05$) معنی‌دار می‌باشد. با توجه به این امر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد مفهوم‌سازی کودکان از لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. توضیح اینکه مقدار همبستگی $r=/.975$ بوده ($r=/.975$) که این مقدار حاکی از ارتباط بسیار قوی بین این دو متغیر است. با در نظر داشتن این شرایط فرضیه‌ی اول تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی دوم: بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان را مورد کنکاش قرار داده است، با توجه به اینکه هر دو متغیر در مقیاس ترتیبی ارائه‌شده‌اند در تحلیل این فرضیه نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید.

نتایج تحلیلی بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان در جدول شماره ۷ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد مقدار سطح معناداری به‌دست‌آمده ($Sig=/.000$) بوده که این مقدار در سطح ($p=/.05$) معنی‌دار می‌باشد. با توجه به این امر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و رشد ذهنی کودکان از لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. مقدار همبستگی بین دو متغیر $r=/.975$ بوده ($r=/.975$) که این مقدار حاکی از ارتباط بسیار قوی بین متغیرهای مذکور است. با در نظر داشتن این شرایط فرضیه‌ی دوم تأیید می‌گردد.

فرضیه سوم: بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان را بررسی می‌کند، در این بررسی نیز با توجه به اینکه متغیر محل سکونت اسمی بوده و متغیر میزان مطالعه نیز در مقیاس ترتیبی ارائه شده است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردیده است.

در جدول شماره ۸ نتایج تحلیل ارتباط بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان مشاهده می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار سطح معنی‌داری به دست آمده ($\text{Sig} = /0.00$) بوده که این مقدار در سطح ($p = /0.05$) معنی‌دار می‌باشد. لذا با حصول اطمینان ۹۵ درصدی می‌توان گفت که بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش علمی کودکان از لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. لذا فرضیه‌ی سوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی چهارم: بررسی ارتباط بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان بوده است. با در نظر داشتن این موضوع که هر دو متغیر در مقیاس ترتیبی ارائه شده‌اند در تحلیل این فرضیه نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

نتایج تحلیلی بین متغیرهای مذکور در جدول شماره ۹ آمده است. نتایج بیانگر این است که سطح معناداری به دست آمده ($\text{Sig} = /0.00$) بوده که این مقدار در سطح ($p = /0.05$) معنی‌دار می‌باشد. با توجه به این امر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان از لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. مقدار همبستگی بین دو متغیر 0.51 بوده ($r = /0.51$) که این مقدار نیز حاکی از ارتباط متوسط بین متغیرهای آموزش‌های مهدکودک و هوش فرهنگی کودکان می‌باشد. با در نظر داشتن این شرایط فرضیه‌ی چهارم نیز تأیید می‌گردد.

منابع

- ۱- الهیاری، عباسعلی و همکاران (۱۳۹۰). اصول و مبانی آموزش در مراکز پیش دبستانی، تهران، انتشارات قلم.
- ۲- بیلر، رابرت (۱۳۹۱). کاربرد روان‌شناسی در آموزش، ترجمه پروین کدیور، جلد دوم، چاپ ششم.
- ۳- بازالهی، محمد (۱۳۹۲). مدیریت مراکز پیش از دبستان، تهران، انتشارات یاس، چاپ اول.
- ۴- برقک، رحیم (۱۳۹۰). الگوی پیشنهادی برای آموزش در مراکز پیش دبستانی و آمادگی، تهران، انتشارات رشد.
- ۵- پارسا، محمد (۱۳۹۲). روانشناسی یادگیری، تهران، انتشارات سخن.
- ۶- دلاور، علی (۱۳۹۳). احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی، انتشارات رشد، چاپ دوم ۱۳۷۶.
- ۷- دانش، عصمت (۱۳۹۰). آزمون شکل‌گیری مفهوم، دانشنامه علوم انسانی، شماره چهارم.
- ۸- رستگاری، تمنا (۱۳۹۱). نقش پیش از دبستان در آموزش و پرورش قرن، روانشناسی امروز.
- ۹- سرمدی، غلام علی (۱۳۹۰). روان‌شناسی کودک، ج ۱، مدرسه عالی پارس.
- ۱۰- سولسو، رابرت (۱۳۹۰). روانشناسی شناختی، ترجمه فرهاد ماهر، تهران، انتشارات رشد.
- ۱۱- فیض، جواد (۱۳۹۲). رفتار من کودک من، انتشارات صنوبر. چاپ دوم.
- ۱۲- کریمی، یوسف (۱۳۹۲). روانشناسی اجتماعی آموزش و پرورش، نشر ویرایش، چاپ اول.
- ۱۳- موسوی، علی محمد (۱۳۹۰). بررسی شکل‌گیری مفهوم در کودکان طبیعی ۷ تا ۱۵ ساله، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۴- مفیدی، فرخنده (۱۳۹۱). آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستان، دانشگاه پیام نور.
- ۱۵- مفیدی، فرخنده (۱۳۹۲). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۶- نظری نژاد، محمد حسین (۱۳۹۴). آموزش و پرورش در کودکان دبستان، تهران، انتشارات آستان قدس.